



Research Paper

Explaining the logic of geography - finding the role of countries in the change of global governance



Abuzar Gohari Moghadam¹, *Milad Torabi Fard²

1. Associate Professor of International Relations, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

2. International Economics Expert, Economic Studies Office, Majles Research Center, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Gohari Moghadam, A., Torabi Fard, M. (2024). [Explaining the logic of geography - finding the role of countries in the change of global governance (Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 01(01), 110-127.



Received: 19 Des 2023

Accepted: 09 Feb 2024

Available Online: 18 Mar 2024

Keywords:

Goeconomy, geopolitics, world order, new positioning of countries

ABSTRACT

Change in the world order is a topic that is being discussed frequently in policy circles. In this regard, various researchers have tried to explain the new positioning of countries in this changing order. The problem of the current research is to provide a deep and detailed understanding of the political geography and economic geography in order to prepare the necessary preparations for the development of the solutions needed for the Islamic Republic of Iran in the period of change in the world order. A detailed understanding of the emerging power structure in Iran's geographical environment helps the policy maker to form a precise and measured position in foreign relations. The findings of the article are based on the instrumental qualitative case study method and are of the type of basic theoretical research. The information and raw materials of the analysis were obtained by the library method and by using scientific books and articles as well as reliable or reference websites. This research believes that in this order change, although the superpowers are interacting with each other on the surface, under the skin of geography, they are targeting each other's supply and value chains; Another point is that in the new world, which is a fragmented world, phenomena such as sanctions, financial and banking platforms, global and regional value chains, the functioning of the global currency, protectionism and industrial policies, technological developments and how they spread in the global space, competition for access Vital raw materials will take a new form.

* Corresponding Author:

Milad Torabi Fard

Address: Economic Studies Office, Majles Research Center, Tehran, Iran.

E-mail: mstorabifard91@gmail.com

مقاله پژوهشی

تبیین منطق جغرافیای - اقتصادی نقش یابی کشورها در تغییر حکمرانی جهانی

ابوذر گوهری مقدم^۱، * میلاد ترابی فرد^۲

۱. دانشیار روابط بین الملل دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

۲. کارشناس اقتصاد بین الملل دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۲۸ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۲

تغییر در نظم جهانی موضوعی است که به صورت پربسامدی در محافل سیاستگذاری در حال طرح است. در این راستا پژوهشگران مختلفی نسبت به تبیین جانمایی جدید کشورها در این نظم در حال تغییر کوشیده‌اند. مساله پژوهش حاضر آن است که به منظور تمهید مقدمات لازم برای توسعه راه‌حل‌های مورد نیاز برای جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی تغییر نظم جهانی شناخت عمیق و دقیقی را نسبت به وضعیت جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی را ارائه دهد. فهم دقیق بافت قدرت در حال شکل‌گیری در محیط جغرافیایی ایران به سیاست‌گذار کمک می‌کند تا موضعی دقیق و سنجیده را در روابط خارجی شکل دهد. یافته‌های مقاله مبتنی بر روش مطالعه موردی کیفی ابزاری انجام شده است و از نوع پژوهش‌های بنیادی نظری می‌باشد. اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و مقالات علمی و همچنین وبگاه‌های معتبر و یا مرجع به‌دست آمده است. این پژوهش معتقد است در این تغییر نظم، ابرقدرت‌ها اگرچه در ظاهر در حال تعامل با یکدیگر هستند اما در زیر پوست جغرافیا، در حال هدف قرار دادن زنجیره‌های ارزش و تأمین یکدیگر هستند؛ نکته دیگر آنکه در دنیای جدید که دنیایی تکه‌تکه شده است، پدیده‌هایی نظیر تحریم، پلت‌فرم‌های مالی و بانکی، زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای، میزان کارکرد ارز جهان‌روا، حمایت‌گرایی و سیاست‌های صنعتی، تحولات فناورانه و نحوه تسری آن در فضای جهانی، رقابت بر سر دسترسی به مواد اولیه حیاتی و... شکل جدیدی به خود خواهند گرفت.

کلیدواژه‌ها:

ژئواکونومی، ژئوپلتیک،
نظم جهانی، جانمایی
جدید کشورها

* نویسنده مسئول:

میلاد ترابی فرد

نشانی: دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ایران.

رایانامه: mstorabifard91@gmail.com



مقدمه

تحولات جهانی و شناخت دقیق سمت‌وسو و پشت پرده حوادث دانستند. بنابراین مسئله شناخت نظم در حال شکل‌گیری جهانی و جایگاه‌یابی جمهوری اسلامی ایران ذیل این نظم تحول‌یابنده حائز اهمیت است.

مساله پژوهش حاضر آن است که به منظور تمهید مقدمات لازم برای توسعه‌ی راه‌حل‌های مورد نیاز برای جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی تغییر نظم جهانی شناخت عمیق و دقیقی را نسبت به وضعیت جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی ارائه دهد. فهم دقیق بافت قدرت در حال شکل‌گیری در محیط جغرافیایی ایران به سیاست‌گذار کمک می‌کند تا موضعی دقیق و سنجیده را در روابط خارجی شکل دهد. عمده تلاش این پژوهش بر توصیف ژئواکونومیکی از وضعیت جهان است. منطق انتخاب کشورهای منتخب در این مقاله نیز بر همین اساس بوده و سعی شده است تا کشورهایی در هرم قدرت جهانی که اولاً صاحب ابتکار هستند و ثانیاً در محیط سیاست خارجی ایران در آینده اثرگذاری کلان خواهند داشت مدنظر قرار گیرند. حسب جایگاه جغرافیایی و نقش هر یک از کشورها در سیاست بین‌الملل این مقاله نقش‌یابی‌های عمده در چهارسوی جغرافیای ایران را ذکر خواهد کرد. این امر بدین دلیل است که بررسی کامل این محیط تکافو مناسبی برای تمهید راه‌حل‌های لازم برای مقام سیاست‌گذار است.

پیشینه پژوهش

ضرورت تفسیر دقیق وقایع جهانی در این راستا ذهن پژوهشگران بسیاری را درگیر کرده است. به فراخور موضوع این مقاله که کشورهای زیادی را شامل می‌شود دایره‌ی پژوهشی موسع شکل گرفته است از همین رو پیشینه پژوهشی مفصلی نیز مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است. در سطح بررسی‌های

نظم‌های جهانی معمولاً در زمان بسیار کمی تعیین تکلیف می‌شوند ولی برای دهه‌ها یا شاید قرن‌ها باقی می‌مانند. به‌عنوان مثال قدرت‌های پیروز در جنگ جهانی دوم نظم جهانی را به مدت ۵ دهه پس از آن در دست گرفتند. این شکل‌گیری نظم دو طرف دارد؛ طرفی که نظم را اعمال می‌کند و طرفی که فارغ از اینکه بازنده یا بی‌طرف در درگیری باشد در نظم طرف پیروز زیست خواهد کرد.

دوران کنونی از این جهت با دوران پیشین تاریخی متفاوت است که وجود تسلیحات فوق‌مخرب اتمی و فناوری‌های پیشرفته نظامی، بروز جنگ‌های نظامی برای تعیین تکلیف جهان را پرهزینه و ناشدنی ساخته است. به همین دلیل انتظار می‌رود الگوی رقابت جهانی کاملاً متفاوت باشد و ترکیبی از رقابت‌ها در عرصه‌های مختلف تجربه شود. اما باید در نظر داشت که تعبیر تغییر در نظم جهانی به خصوص پس از بحران اوکراین سوبیه‌های جدی ژئوپلتیکی به خود گرفته است. افول نظم سابق جهانی و نوید ظهور نظم نوین از جمله موضوعات مهمی محسوب می‌شود که طی سال‌های اخیر در بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ با اشاره به تحول در نظم کنونی و پُر تکرار شدن این موضوع در ادبیات سیاست‌گذاران و متفکران در سطح جهانی، اشاره فرمودند که: «تحول در نظم جهانی یک فرآیند پرفراز و نشیب و بلندمدت و متأثر از حوادث احتمالی پیش‌بینی‌نشده است و کشورهای مختلف نظرات و رویکردهای متعارض و گوناگونی به آن دارند». ایشان همچنین لازمه‌ی جانمایی مناسب ایران در نظم نوین را هوشیاری مضاعف فکری و عملی، و رصد و ارزیابی



جدید کشور در عرصه بین‌الملل». در این رویکرد جدید چندبعدی، چالش‌هایی که به‌واسطه تحریم بر ایران بار شده‌اند اکنون ذیل پرونده‌های متعدد (ابتکارهای مبتنی بر جغرافیای سیاسی) مورد حل‌وفصل قرار می‌گیرند.

روش پژوهش

به منظور توسعه‌ی روشی برای تصویرسازی وضعیت ژئواکونومیکی کشور در منطقه و جهان باید دانست که نیاز است تا از مفاهیم قدرتمند و توضیح‌دهنده برای تبیین این وضعیت بهره برد. در این تحقیق سعی می‌شود تا با گزینش مناسبی از این مفاهیم تصویر مناسبی ارائه گردد، یافته‌های مقاله که مبتنی بر روش مطالعه موردی کیفی انجام شده است، روش مطالعه موردی یکی از متداولترین استراتژی‌های تحقیق کیفی محسوب می‌شود. این رویکرد یک روش یا شیوه نیست بلکه نوعی استراتژی پژوهشی است. درون این استراتژی روشها و شیوه‌های متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادی نظری بوده و اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و مقالات علمی و همچنین وبگاه‌های معتبر و یا مرجع به‌دست آمده است.

این نوشتار بر پایه‌ی مفهوم جغرافیای سیاسی و اقتصاد ژئوپلیتیکی (ژئواکونومی) بنا شده است؛ ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا

ژئواکونومیکی در منطقه و جهان موارد ذیل مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است؛ ریسی‌نژاد (۱۴۰۰) در کتاب خود به بررسی تحولات عمده جهانی حول مفهوم ژئوپلیتیک راه و دیپلماسی راه پرداخته است. ترابی‌فرد و رزم آهنگ (۱۴۰۲) در گزارشی پژوهشی به بررسی سازوکار نظم جهانی در دوره‌ی تغییر نظم پرداخته‌اند و تصویری کلی از وضعیت کنونی جهان و رقابت قدرت‌های ارائه کرده‌اند. نورعلی و احمدی (۱۴۰۱) به واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران پرداخته و در رابطه با ایران دست به توسعه مفهومی به نام هارتلند کریدوری زده‌اند. فرجی راد و دیگران (۱۴۰۰) در بررسی‌های خود نسبت به چین به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای موفق طرح ابتکار، موجب افزایش همکاری‌های اقتصادی در منطقه، احیای موقعیت ژئواکونومیک ایران و حضور فعالتر ایران در همکاری‌های غیر غربی می‌گردد. حلال‌خور و سعیدی راد (۱۴۰۱) روندهای کلان جهانی را در نسبت با دریای خزر مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قدرت‌گیری چین در منطقه و تلاش ایالات متحده آمریکا برای ممانعت از این روند؛ مهار روسیه و تأکید آمریکا بر تحت فشار قرار دادن اقتصاد این کشور از طرق تجاری؛ نظیر تحریم و انحصارزدایی و مهار هژمونی یابی احتمالی ایران در منطقه دریای خزر شواهدی بر تأیید فرض تحول جایگاه دریای خزر بر مبنای معادلات ژئواکونومیک بوده‌اند. رحمتی (۱۳۹۹). ترابی فرد و دیگران (۱۴۰۱) در واکاوی علت‌های بروز و امتداد تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران به بررسی وضعیت ژئواکونومیکی ایران پرداختند و معتقدند جغرافیای ایران به دلیل قرارگیری در نقطه گرانگاهی شکل‌گیری نظم نوین جهانی عاملی مهم در ماندگاری تحریم است. پاسخ دقیق به تحریم عبارت است از «خروج از زیست نفتی و جانمایی



قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های میانی هستند (انستیتو لاوی، ۲۰۲۳). البته هرچند قدرت‌های ریزدانه نیز قابل بررسی هستند. در این قسمت از پژوهش تصویری از وضعیت فعلی هر یک از قدرت‌های اثرگذار در سیاست خارجی ایران ارائه می‌گردد.

آمریکا در حال امنیتی‌سازی مسیرهای اقتصادی رقبا و تولید اجماع جدید واشنگتن

در دنیای پس از جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان کشوری نظم‌ساز در جهان مطرح بود به گونه‌ای که می‌توانست قواعد مد نظر خود را به صورت ایجابی در جهان تولید کند. بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸ و رویدادهای پس از آن، بسیاری از کشورها را به این نتیجه رساند که آمریکا در مواقع بحرانی، دیگر نه تمایل دارد و نه قادر است از همپیمانان خود دفاع کند. از آن زمان به بعد، آمریکا همچنان نقش سلبی خود را حفظ کرده است به گونه‌ای که قادر است نظم‌های در حال شکل‌گیری را تخریب کند، هر چند نوع سیاست ضدضدهژمونیک آمریکا علیه رقبا دقیقاً از جنس ساختن ابزارها و نظم‌های جدید است. امنیتی‌سازی مسیرهای اقتصادی^۲ رقبا(با استفاده از تحریم یا بروز پدیده تروریسم و اختلال در زنجیره تامین) و تولید اجماع جدید واشنگتن از مهمترین دستور کارهای فعلی آمریکا در بعد بین‌المللی هستند.

الف. امنیتی‌سازی محیط و دسترسی‌های اقتصادی رقبا: آمریکا به دنبال امنیتی‌سازی فضا برای شکل دادن به گسل‌های ژئواکونومیک است؛ از این طریق، آمریکا علاوه بر تنگ کردن مسیرهای اقتصادی بر

نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به‌عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیر مجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد. اگرچه از قدیم استفاده از ابزارهای اقتصادی در سیاست وجود داشته ولی پس از جنگ سرد و جهانی‌شدن که رویکردهای اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفتند، بحث ژئواکونومی نیز روبه‌روز در سیاست‌های داخلی و خارجی و به‌عنوان یک روش نوین کشورداری مطرح شد. با وجود اینکه از نظر نسبت، ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است، ولی تفاوت‌هایی با آن دارد و بازیگران متعددی در آن درگیر می‌شوند که بر پیچیدگی این رویکرد می‌افزاید. ابزارهای مورد استفاده در ژئواکونومی نیز علاوه بر تعدد و تنوع زیاد، عمدتاً از نوع ابزارهای قدرت نرم بوده بر پیچیدگی نظام بین‌المللی می‌افزایند. در سیاست داخلی و امور کشورداری نیز توجه به این رویکرد موجب تقویت زیربناها و زیرساخت‌های قدرت ملی شده و به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند که این امر موجب تغییر رفتار و جایگاه کشور در نظام ژئوپلیتیک در راستای تحصیل منافع ملی می‌شود. در خصوص ایران به‌نظر می‌رسد تحلیل مسائل کشور از دیدگاه ژئواکونومیک می‌تواند موجب باز شدن زاویه جدید و واقع‌بینانه‌ای به فهم مسائل شده و راهکارها و راهبردهای تجویزی را بیش از پیش دقیق‌تر و مفیدتر می‌نماید. (مختاری هشی، ۱۳۹۷)

تحلیل موردی کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش

موسسه‌ی لاوی^۱ در ارزیابی قدرت کشورها سه دسته از کشورها را برشمرده است که شامل ابرقدرت‌ها،

۲. از جمله کمربندهای اقتصادی در حال شکل‌گیری یا زنجیره تامین اقتصادها

1. Lowy institute



چین به عنوان مبنای جغرافیایی قدرت بین‌المللی خود اولویت‌بندی کرده است) رخ خواهد داد. این گزارش معتقد است درگیری بین چین و آمریکا را نه صرفاً یک نبرد یا جنگ واحد، بلکه باید مجموعه‌ای از تقابل‌های متوالی مرتبط و پراکنده پهن شده در گستره جغرافیا تلقی کرد؛ مصادیق این تقابل عبارت خواهند بود از مناقشات سایبری مداوم، تقابل‌های اقتصادی و جنگ‌های متعارف نیابتی. (al, Heath et. 2022)

در شرایطی که قدرت اقتصادی مسلط با ابزارهای اقتصادی صرف توان مهار رقبا بالقوه را ندارد به استفاده از ابزارهای ترکیبی اقتصادی و غیراقتصادی برای متوقف کردن رقبا روی می‌آورد. یکی از این ابزارهای ترکیبی ناامن‌سازی پیرامون رقبا نوظهور از سوی قدرت مسلط است. تا از این طریق اولاً امکان بسط و توسعه قدرت‌های نوظهور از آنها گرفته شود و ثانیاً تا حد امکان این نامنی‌ها به داخل قدرت‌های نوظهور سرایت داده شود تا از این طریق سرعت رشد و قدرت یابی آنها کند شود.

در این راستا تحریم ایران در کنار ظهور طالبان در سال ۲۰۲۰ و نابسامانی شام و عراق از سال ۲۰۱۴ و آسیای میانه معنادار به نظر می‌رسد، اتفاقاتی که اگرچه در دوره‌های تاریخی پیشین معنایی دیگر داشتند ولی به نظر می‌رسد در سیاست خارجی آمریکا معنای صریحی از مهار چین را دریافت کردند. ولی به مرور آمریکا در حال ارزیابی این روند بوده و در این راستا به نظر می‌رسد با درس گرفتن از جنگ اوکراین، راهبرد جنگ ترکیبی را به بلوغ رسانده و با استفاده بیشتر از ابزار نظامی و ساخت اوکراین‌های جدید برای رقبا به دنبال تشدید این روند است. این راهبرد برای کنترل رفتار بازیگرانی به کار برده خواهد شد که قصد فاصله‌گیری از آمریکا را داشته باشند.

رقبا، سیادت امنیتی-نظامی خود بر سایر کشورهای جهان را تحکیم خواهد کرد. نفس امنیتی شدن فضا امکان رقابت با چین را سهل خواهد کرد، چراکه چین هنوز به مرحله بلوغ قدرت دست نیافته است. توضیح اینکه به دست آوردن برتری در سطح جهانی نیازمند سه توانمندی است: ۱. قدرت اقتصادی برای تامین توان تغییر؛ ۲. توانمندی نظامی-امنیتی برای حفظ و شکل‌دهی به نظم مطلوب؛ ۳. گفتمان ایدئولوژیک برای ترسیم چارچوب نظم و افق. تا به حال چین صرفاً توانسته است ذیل محور اول توانمندی خوبی به دست آورد ولی در حوزه توانمندی نظامی و گفتمان ایدئولوژیک همچنان مسیر زیادی تا رسیدن به یک قدرت هژمون، پیش رو دارد. در همین شرایط، برای آمریکا مطلوب است که مادامی که چین به سه گانه فوق دست نیافته است، آن کشور را وارد تخصص و درگیری نظامی و گفتمانی کند تا کشور چین، به مثابه یک نوزاد نارس در عرصه هژمون جهانی مطرح شده و پس از مدتی، با شکست، صحنه برتری بین‌المللی را ترک کند.

در این راستا به نظر می‌رسد آمریکا از الگوی جنگ با شدت کم (جنگ ترکیبی) به سمت الگوی تکثیر اپیدمی اوکراین شدن سایر مناطق جهان (از جمله تایوان و قفقاز) حرکت می‌کند؛ در یک دهه‌ی گذشته به وضوح آمریکا به دنبال ترتیب دادن یک جنگ با شدت کم با چین در طول مسیر یک پهنه یک کمر بند بوده است؛ هیث و دیگران (۲۰۲۲)^۳ در گزارشی تحت عنوان «بازگشت جنگ قدرت‌های بزرگ، سناریوهای درگیری نظام‌مند بین ایالات متحده و چین» بیان می‌دارد در سناریوی جنگ کم‌شدت، پیش‌بینی می‌شود تقابل بین آمریکا و چین در امتداد مسیرهای ابتکار کمر بند و راه (یعنی مسیرهایی که

3. Rand Corporation.

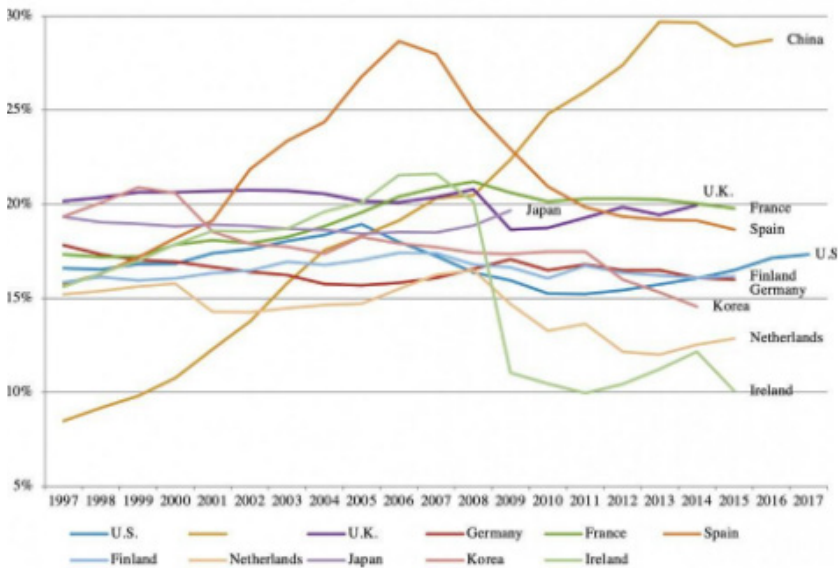


صورت خلاصه، در یک دنیای مسطح و فاقد هر گونه عوارض سیاسی و امنیتی، هر عامل تولیدی از هر جای جهان باید به کار گرفته شود تا تولید بیشینه شود؛ کارگر ارزان چینی، تأمین مالی آمریکایی، بنگاه‌های صنعتی آلمانی و انرژی از خاورمیانه.

اینک نظم حاصل از دوره اجماع واشنگتن با چالش‌های گسترده جهانی مواجه شده‌است؛ این چالش‌ها عبارت‌اند از: بروز گسل‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، تلاش کشورها برای حمایت‌گری و پیگیری سیاست صنعتی ملی، کنش منطقه‌ای و تاب‌آور کردن زنجیره‌های ارزش در مقابل تخصص قدرت‌های بزرگ، کاهش کارایی سیستم پرداخت جهانی، و متمکز شدن بخش تولید، از آنجمله تأمین

ب. تولید اجماع جدید واشنگتن، صنعت‌زدایی از سایر مناطق جهان و فراخوانی صنایع به داخل خاک آمریکا:

اجماع واشنگتن^۴ اصطلاحی است که به سیاست‌های جهانی آمریکا از سال ۱۹۷۹ اشاره دارد که در دوره‌ی اوج خود به جهانی‌سازی اقتصاد انجامید. این دوره با ریگان‌سیسم و تاچریسم آغاز شد و در دوره‌ی پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی به شدت دنبال شد. در نظم پس از جنگ سرد است مؤلفه‌هایی به شرح زیر در صدر اولویت‌ها قرار داشته‌اند: افزایش جهانروایی دلار، آزادسازی بازارها، مقررات‌زدایی، آزادسازی تجاری، خصوصی‌شدن شرکت‌های دولتی و سیاست‌های مشوق سرمایه‌گذاری خارجی. به



نمودار ۱. اثر اجزای بخش املاک و مستغلات در تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف (یانگ و راگوف، ۲۰۲۳)

Washington consensus. 4



شهرهای درجه سوم شده‌است شرکت‌های عمرانی چینی در معرض بحران مالی جدی قرار گرفته‌اند و باید راه مفری برای خود در خارج از چین بیابند.

ب. اقتصاد خارجی چین

در حساب سرمایه این کشور یک ریسک بزرگ در حال پدید آمدن است؛ به دلیل تراز تجاری فوق مثبت این کشور، اقتصاد چین باید بخشی از این مازاد تجاری را به صورت دارایی‌های خارجی نگه دارد. یکی از دارایی‌های بالقوه اوراق قرضه دلاری دولت آمریکا است که البته این اوراق تحت نظارت و مدیریت آمریکا قرار دارند و همچنین آمریکا مستند به اسناد امنیت ملی این کشور نیز سر ناسازگاری جدی با چین داشته و هر لحظه ممکن است مشکلاتی را برای چینی‌ها ایجاد نماید. فلذا چین لاجرم باید دارایی خارجی را به صورت سرمایه‌گذاری خارجی به سمت پروژه‌های جهانی خود نظیر یک پهنه یک کمربند هدایت کند. ولی طرف آمریکایی با ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در طول مسیر یک پهنه یک کمربند ارزندگی سرمایه‌گذاری اقتصادی و بازدهی این سرمایه‌گذاری را دچار چالش می‌کند.

یعنی به صورت همزمان چین باید در یک پروژه امنیتی-سیاسی-اقتصادی موفق به بسط حضور اقتصادی در فرامرز خود شود و زنجیره تأمین باثباتی در قالب مسیرهای لجستیک زمینی ایجاد نماید. افغانستان و آسیای میانه از این زاویه دید معنادار هستند، چراکه نواحی‌ای هستند که ائتلاف متخاصم با آن‌ها ضعیف‌تر است.

با بررسی روند تحولات، می‌توان دریافت که عمده رفتار چین در قبال توسعه یک پهنه یک کمربند چند ویژگی جدی دارد:

الف. چینی‌ها بر مبنای یک چرخه بازخوردگیری از

جهانی در قلمرو ژئوپلیتیکی رقیب با نظم آمریکایی مانند کشورهای عضو بریکس یا شانگهای.

از طرفی آمریکا درون کشور خود دچار مشکلات عدیده شده‌است: یکی از این مشکلات آن است که در پیامدها دهه‌ها مالی‌سازی اقتصاد و خروج صنایع از آمریکا، طبقه متوسط این کشور از تولید فاصله گرفته است و ضعف زیرساخت تولید، بحران بدهی این کشور را روز به روز تشدید خواهد کرد. آمریکا برای برآمدن از پس چین باید بتواند زنجیره‌های تأمین و ارزش جدیدی را خلق کرده و زنجیره‌های ارزش و تأمین خود را تا حد ممکن در نقاط جغرافیایی تحت ائتلاف با خود بگستراند. در این راستا سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید و چند تن دیگر از سران کاخ سفید رویکرد اجماع جدید واشنگتن را معرفی کرده‌اند. (کاخ سفید، ۲۰۲۳)

چین؛ نیاز راهبردی به سرمایه‌گذاری در پهنه جغرافیایی به سمت غرب و چالش‌های پیش رو

چین هنوز به سهولت از رکود دوره‌ی کرونا خارج نشده است و بررسی‌های فنی-اقتصادی نشان می‌دهد چین در آستانه‌ی ورود به دوره‌ای از تنش مالی است که ژاپن در دهه‌ی نود تجربه کرد و به مرور گوی سبقت را در بازی جهانی از دست داد. این کشور دو چالش اساسی در امور داخلی و خارجی اقتصاد خود دارد:

الف. اقتصاد داخلی چین

بخش مسکن چین که پیشران ۳۰ درصد از اقتصاد این کشور است (بانگ و راگوف، ۲۰۲۲) دچار مشکلاتی شده که بخشی از آن حاصل اشباع ظرفیت درونی این کشور و مهاجرت نیروی کار به شهرهای بزرگ است. در این بحران که منجر به تولید مسکن مازاد به اندازه نیاز ۹۰ میلیون نفر به خصوص در



گفتگوی مؤثری برگزیده است. در مقابل آمریکا با امنیتی کردن هر فضایی امکان گفتگوی اقتصادی را برای چین سخت می‌کند. چه اینکه پس از بحران اوکراین، آمریکا موفق شده‌است رویکرد بسیاری کشورها در قبال چین را تغییر دهد.

اروپای قاره‌ای (آلمان و فرانسه)؛ شکست و عقب‌نشینی‌های مکرر در نظم جهانی

به نظر می‌رسد پرونده کلان جبهه‌ی انگلوساکسون‌ها (از جمله آمریکا و بریتانیا) در تضعیف اروپای قاره‌ای و سردمداران آن اعم از فرانسه و آلمان، تحمیل ناامنی و فشار اقتصادی و بروز ریسک‌هایی است که در برآیند آن، این قاره صنعت‌زدایی شده و در حوزه صنعت و انرژی وابستگی و وثیقه‌ی به آمریکا داشته باشد. چنانکه در اثنای بحران انرژی گران‌قیمت پس از جنگ اوکراین بسیاری از شرکت‌های انرژی‌محور از این قاره رفتند.^۵ همچنین انگلوساکسون‌ها در اقدامی دیگر در صدد بردن ارز یورو به زیر چتر دلار و پوند هستند، چنانچه نقش جهانی یورو در ۲۰ سال اخیر ۲۰ درصد افت کرده‌است (بلومبرگ، ۲۰۲۳).

ضربات متعدد انگلوساکسون‌ها بر پیکره‌ی اروپای قاره‌ای، فرانسه را نیز تحت فشار قرار داده‌است؛ فرانسه طی سالیان اخیر مکرر در پرونده‌های سیاست خارجی خود شکست خورده‌است؛ از شکست در پرونده ۱۰۰ میلیارد یورویی فروش زیردریایی به استرالیا به‌وسیله ائتلاف آکوس^۶ تا به محاق رفتن ایده‌ی ارتش اروپایی. از سوی دیگر آمریکا در حال برکشیدن شمشیر داموکلس لهستان در شرق اروپا

طرف‌ها، این مسیر را توسعه می‌دهند: درست است که مسیری که از ایران بگذرد به دلایل عمده از جمله سکونت جمعیت بیشتر، ضعف نفوذ امنیتی-نظامی آمریکا و دارا بودن منابع برای چین بهتر است ولی رفتار طرف چینی نشان‌دهنده آن است که آنها تا ابد منتظر طرف ایرانی برای پیوستن به این طرح نیستند. بلکه بر اساس رویه بازخوردگیری برای قدم‌های بعدی تصمیم می‌گیرند. بر این اساس نشانه‌های جدی وجود دارد که اگرچه چینی‌ها دریچه فرصت را برای ایران باز کرده‌اند ولی آنها به مرور در حال چرخش به سمت رقبای منطقه‌ای ایران هستند. به‌عنوان مثال در حال حاضر شرکت حمل و نقل بین‌المللی‌ای که مسیر کریدور میانی (در شمال ایران و در نسبت با ترکیه) در شمال ایران را مدیریت می‌کند، شرکتی چینی کاسکو است. همچنین چینی‌ها در پاکستان در حال تنظیم روابط اقتصادی-امنیتی با امارات هستند (روزنامه خراسان، ۱۴۰۲). از این جهت بیم آن می‌رود که به مرور با کاهش جایگاه آمریکا، چین به سمت جنوب خلیج فارس تمایل پیدا کند و این مسیر را تا رژیم صهیونیستی ادامه دهد. نکته جدی ماجرا این است که در خلال این روند، در دستگاه حکمرانی چین جناحی که طرفدار روابط با محور عبری-عربی است از جناح طرفدار روابط با ایران قوی‌تر شود. این مسیر امکان استفاده اعراب از اهرم‌های فشار چین علیه ایران را تشدید خواهد کرد.

ب. زبان گفتگوی چین با طرف‌های خارجی حتی در امنیتی‌ترین موارد، اقتصادی است: زمین بازی‌ای که چین طی سالیان گذشته طراحی کرده و تا حد زیادی موفق بوده عبارت است از استفاده از ابزار اقتصادی برای پیشبرد همه‌ی اهداف سیاسی و امنیتی. چین زبان اقتصادی را برای هر گونه

۵. نظیر شرکت BASF آلمان که مجبور به انتقال بخشی از خطوط تولید خود به چین شد
۶. آکوس یک ائتلاف امنیتی با عضویت استرالیا، انگلستان و ایالات متحده آمریکا است که در سال ۲۰۲۱ و با هدف کنترل بر منطقه ایدوپاسیفیک ایجاد شد.

است که به صورت همزمان علیه آلمان و روسیه به مثابه یک سد آهنین ناتو و همزمان ابزاری برای کنترل رفتار این قاره به کار برده خواهد شد، لهستان با سرعت بالایی در حال تجهیز به بروزترین تسلیحات نظامی آمریکایی و کره‌ی جنوبی است. در کلان ماجرا از بین رفتن یک اروپای قاره‌ای مستقل و وابسته شدن آن به ایالات متحده آمریکا، تمام دلایلی که چین قصد دارد به‌وسیله یک پهنه یک کمربند خود را به این قاره برساند را از بین می‌برد.

کنش بین‌المللی هند در نسبت با قدرت‌های جهانی

هند در دوره‌ی اخیر به دنبال شکل دادن به یک موازنه مثبت است و تلاش می‌کند با همه اطراف قدرت، روابط سیاسی-امنیتی-اقتصادی برقرار کند. از یک طرف این کشور سیاست امنیتی کنش شرق و مهار چین را در دستور کار قرار داده است و از طرف دیگر، پس از جنگ روسیه و اوکراین، خرید انرژی از روسیه را به شدت افزایش داده است. هند حتی حاضر به معامله با طرف‌های چینی (که رقیب ژئوپلیتیکی خود محسوب می‌شود) نیز هست. در همین راستا ضربه اساسی آمریکا به شرکت آدانی هند طی چند ماه گذشته قابل فهم است؛ این شرکت که نزدیکی زیادی با مودی دارد به دنبال یک معامله بزرگ با چین بود، انتشار گزارشی در یکی از نهادهای اعتبارسنجی آمریکایی منجر به سقوط چند ده میلیارد دلاری ارزش دارایی‌های آدانی شد. تمامی این نشانه‌ها نمایانگر آن است که هند آخراً امر باید امتیازاتش را در تناسب با آمریکا تعریف کند.

در یک سال گذشته، هند حجم قابل توجهی از اوراق قرضه آمریکا را خریداری نموده است. بخش زیادی از این عواید از محل واردات نفت از روسیه پس از جنگ اوکراین حاصل شده است. یعنی همزمان هند

به دو طرف امتیازاتی را داده است. این سیاست موازنه مثبت هند باعث شده است تا سازمان‌های بین‌المللی که این کشور در آنها حضور دارد (از جمله شانگهای یا بریکس) عملاً از حیز انتفاع خارج شوند چرا که هند در موضعی در هماهنگی با سیاست‌های ایالات متحده اقدام می‌کند و در موضعی نیز خلاف آن حرکت می‌کند؛ همین امر باعث شده است که حضور هند در پیمان‌هایی نظیر شانگهای و بریکس (که عملاً پیمان‌هایی در خلاف جهت خواست و میل ایالات متحده آمریکا هستند) چالش‌هایی ایجاد کند.

ولی نشانه‌های فوق تنها نشان‌دهنده‌ی سیاست منفعل این کشور نیست بلکه این کشور سیاست‌های فعالانه‌ای را نیز برگزیده است، از جمله این موارد می‌توان به حاکمیت طبقه الیگارش هندی بر بخش‌های وسیعی از زنجیره تأمین بریتانیا اشاره نمود. همچنین این کشور در مسیر کریدور هندوایراییمی (که از هند آغاز شده، از مسیر امارات متحده عربی تا دوام یافته و تا رژیم صهیونیستی و دریای مدیترانه می‌رسد) و بر پایه‌ی سهم ۵۰ درصدی از جمعیت امارات متحده عربی، نقش بسزایی ایفا خواهد کرد. در این مسیر رژیم صهیونیستی نیز حضوری جدی خواهد داشت.

توسعه امارات متحده عربی همگام با خروج دوم انگلوساکسون‌ها از منطقه

این کشور طی دهه‌های گذشته زیرساخت دو خروج راهبردی انگلوساکسونی از منطقه غرب آسیا را فراهم ساخته است؛ در مرتبه اول با خروج بریتانیا و حرکت این کشور به مناطق غرب کانال سوئز در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلادی، شکل‌گیری امارات متحده عربی معنادار شد. این مسیر تا بحران مالی ۲۰۰۹ ادامه داشت تا به واسطه‌ی بحران مالی، امارت ابوظبی توانست بخش زیادی از حاکمیت سایر امارت‌ها را بخرد و حاکمیت



ملی این کشور را به صورت کاملاً متفاوتی بنا کند.

خروج راهبردی دوم، پس از خارج شدن آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا رخ داد که به اقتضای آن آمریکا جریان مالی معتاب‌ه‌ی را به سمت این کشور هدایت نمود و متعاقباً جایگاه راهبردی امارات افزایش پیدا کرد؛ یکی از اضلاع این چنینش نظم، فروش شرکت معظم آمریکایی P&O به امارات و شکل‌گیری شرکت DP WORLD بود که یکی از بزرگ‌ترین اپراتورها و دارندگان بندر جهان است. این کشور از آنجا که یک قلمرو تسویه ارز دلاری است برای آمریکا ارزش راهبردی دارد و ایالات متحده به‌وسیله این ابزار رفتار بازیگرانی نظیر ایران را کنترل می‌نماید؛ هر چند امارات برای حفظ این جایگاه ناچار به برقراری حدی از کنترل تنش با ایران است. با این تفسیر منظور از خروج آمریکا از منطقه به معنای جای‌گذاری نظم آمریکایی به جای حضور آمریکاست.

این کشور از پیش از بحران مالی ۲۰۰۹، توسعه‌ی دریایی خود را آغاز کرد؛ به همین دلیل در دوره‌های بعدی مناطق ساحلی منطقه برایش مهم بود. در همین راستا حضور در جنگ یمن و تلاش برای تسلط این کشور بر دو تنگه باب‌المندب و کانال سوئز قابل تفسیر است. اما مسیر دریایی اصلی‌ای که امارات ترتیب داده است عبارت است از یک اتصال قومیتی بزرگ؛ در حال حاضر نیمی از جمعیت این کشور هندی هستند، بر همین مبنا این کشور با تمرکز بر مزیت‌های اقتصادی هند و رژیم صهیونیستی در قلب پیمان راهبردی آمریکایی I2U2 قرار گرفت. در این پیمان، منابع انسانی فناوری، طلا و جواهرات و کالاها با ارزش افزوده بالا و همچنین استقرار نمایندگی شرکت‌های مطرح جهانی اهمیت می‌یابد. این اجزا به‌وسیله توسعه زیرساختی شبکه ریلی رد-

مد و شبکه‌ی فرودگاهی تقویت خواهد شد.

تهدید چنین توسعه‌ای برای ایران تخلیه توان نیروی انسانی متخصص و فناوری و غلبه‌ی فناوریانه امارات بر محیط اقتصادی ایران خواهد بود. ضمن آنکه امارات با تحت اختیار درآوردن مسیرهای دریایی تجارت منطقه، ابزارهای کنترل ایران را روز به روز تقویت خواهد نمود.

روسیه: درگیر بحران اوکراین ولی فعال

روسیه یکی از کشورهایی است که کنشگری قابل توجهی در تجارت کامودیتی‌ها و کالاهای اساسی اعم از غلات، فلزات معدنی و انرژی دارد؛ صادرات قابل توجه انرژی به اروپا و چین و همچنین تجارت قابل توجه غلات، این کشور را طی سالیان اخیر به‌عنوان اقتصاد دارای وضعیت شبه‌انحصاری در بازار کامودیتی‌ها مطرح کرده است؛ هدف اصلی تقابل‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آمریکا با روسیه، از بین بردن وضعیت شبه‌انحصاری مذکور است. آمریکا در تقابل ژئوپلیتیک با روسیه چند هدف عمده را دنبال می‌کند:

الف) چرخش وابستگی راهبردی اتحادیه اروپا از روسیه به سمت آمریکا؛

ب) ایجاد تنش امنیتی و از رونق انداختن مسیر شمالی کمربند و راه چین (مسیری که تا پیش از بحران، محل عبور حدود میلیون‌ها تن کالا از چین به اروپا و بالعکس بود)؛

ج) کاهش قابل توجه درآمدهای ارزی روسیه از محل تجارت کالاهای اساسی.

رفتار روسیه نیز کاملاً مبتنی بر قواعد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است؛ به این معنا که این کشور تلاش می‌کند مزیت‌های مبتنی بر جغرافیای خود را حفظ



۲۰۲۳). این رویداد، زمینه را برای کنشگری تقابلی امارات در نسبت با ایران فراهم آورده است. همراهی روسیه با طرح بحث ادعایی امارات در مورد جزایر سه گانه ایران، شاهد مثالی از این موضوع است.

همچنین یک مانع دیگر که جدیداً ایجاد شده آن است که به دلیل تحریم، شبکه مالی روسیه به سمت دومی کوچ کرده است به نحوی که این کشور نیز در صف متقاضیان درهم قرار گرفته است. همین امر، فشار زیادی را بر شبکه ارزی ایران وارد می‌کند.

ب. مشکل دوم ایران و روسیه در ناترازی تجاری بزرگ دو کشور است؛ در حالی که روسیه حدود ۳ میلیارد دلار به ایران صادرات دارد ایران تنها ۱ میلیارد دلار صادرات به این کشور را دارد. همین امر، از توسعه روابط جلوگیری به عمل می‌آورد.

توسعه ژئوپلیتیکی ترکیه در مسیر دنیای ترک و کریدور لاجورد

این کشور به صورت تاریخی تراز تجاری منفی را تجربه می‌کند. دلیل چنین امری آن است که این کشور منابع انرژی ندارد و باید تمام توان اقتصادی خود را به کار بگیرد تا انرژی وارد کند. همین امر باعث شده است تا این کشور در چند سال گذشته به سمت کشورهایی که دارای منابع انرژی هستند (نظیر لیبی، آذربایجان و آسیای میانه) تمایل ژئوپلیتیکی از خود نشان دهد. در کلان ماجرا در ادامه این سیاست ترکیه تراز تجاری ترکیه نزدیک به صفر خواهد شد که معنای سیاسی آن توسعه قدرت این کشور و توانایی خلق نظم منطقه‌ای خواهد بود. در همین راستا روابط رو به توسعه‌ی این کشور با باکو قابل فهم است. باکو سکویی برای توسعه‌ی دو مسیر ژئوپلیتیکی است که ترکیه در حال تنظیم پیچ آن است؛ این دو مسیر عبارتند از:

کرده و وضعیت شبه‌انحصاری در بازار کامودیتی‌ها و کالاهای اساسی را تداوم بخشد. بر این اساس به نظر می‌رسد جنگ روسیه و اوکراین، نمودی از فرایند تغییر نظم بین‌المللی بوده و تداوم آن، عاملی مهم در تغییر آرایش ژئواکونومیک جهانی خواهد بود؛ این کشور وارد زد و خوردی بزرگ با غرب شده است که این درگیری در شرایط حاضر از آفریقا (به وسیله شکل دادن به کودتا) تا آسیا را نیز در برمی‌گیرد.

رویدادهای فوق دلالت‌های مهمی برای اقتصاد ایران خواهد داشت که در ادامه به اختصار به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

الف. به صورت تاریخی، یکی از چالش‌های مهم روسیه دسترسی به آب‌های گرم در راستای تداوم تجارت بوده است. از دست رفتن روابط سابق با اروپا به موجب تحریم‌های غرب و بروز چالش‌های امنیتی، روسیه را ناچار به روی آوردن به جنوب کرده است. از این منظر، جغرافیای ایران ارزندگی بیشتری پیدا کرده است و ایران می‌توان نقش مهمی در با صادرات غلات روسیه و همچنین صادرات اقلام صنعتی به آن پهنه ایفا کند. اما از طرف دیگر و در نقطه مقابل، امارات نقش مهمی در عرضه و با صادرات انرژی روسیه به دست آورده است؛ به گونه‌ای که به زعم برخی نویسندگان، دبی به ژئو جدید روسیه مبدل شده است (فایننشال تایمز، ۲۰۲۳). همکاری بزرگ مقیاس با کشور روسیه، در اختیار قرار دادن مخازن ذخیره‌سازی نفت و فراهم‌ساختن زمینه نقل و انتقال وجوه، امارات را به مقصد شرکت‌های بزرگ انرژی روسیه تبدیل کرده است. زمانی که سوئیس به‌نظام تحریم‌ها علیه مسکو پیوست، بخشی از تجارت نفت جهان به خاورمیانه منتقل شده و برخی از پیش‌بینی‌ها مبنی بر این است که این رویه ادامه دار خواهد بود (ویلسون،



Figure 1. The Middle Corridor.
Source: Ministry of Foreign Affairs of Turkey, "Turkey's Multilateral Transportation Policy".

شکل ۱. امتداد کریدور میانی (وزارت خارجه ترکیه)

ب. کریدور لاجورد: این مسیر، ترکیه را از طریق ترکمنستان به افغانستان و از آنجا به پاکستان و هند می‌رساند. ترکیه به خصوص با کشورهای در طول این مسیر توسعه‌ی روابط نظامی را در دستور کار دارد که یکی از سرفصل‌های آن تقویت نیروی دریایی ترکمنستان است. این مسیر به صورت قابل

الف. کریدور میانی: این مسیر که اروپا را از طریق ترکیه و قزاقستان تا چین به هم متصل می‌سازد متشکل از زنجیره وسیعی از شبکه ریلی، جاده‌ای و فرودگاهی است که به وسیله‌ی آن ترکیه به دنبال توسعه زنجیره ارزش خود در کشورهای در طول مسیر است.



شکل ۲. مسیر لاجورد

این مسیر را از طریق ژئواکونومیکی و با استفاده از ابزارهای اقتصادی پیش برد و رضایت ارمنستان را جلب کند. اجزای این کریدور تماما به عنوان تهدید امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که جریان کالا از چین بعد از عبور از ایران به ترکیه می‌رسد؛ به عبارت دیگر تلاش ترکیه برای توسعه مسیر ترانس کاسپین، تغییری در سهم این کشور در ترانزیت کالا ایجاد نمی‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد هدف از توسعه چنین کریدوری بیشتر ژئوپلیتیکی است تا اقتصادی.

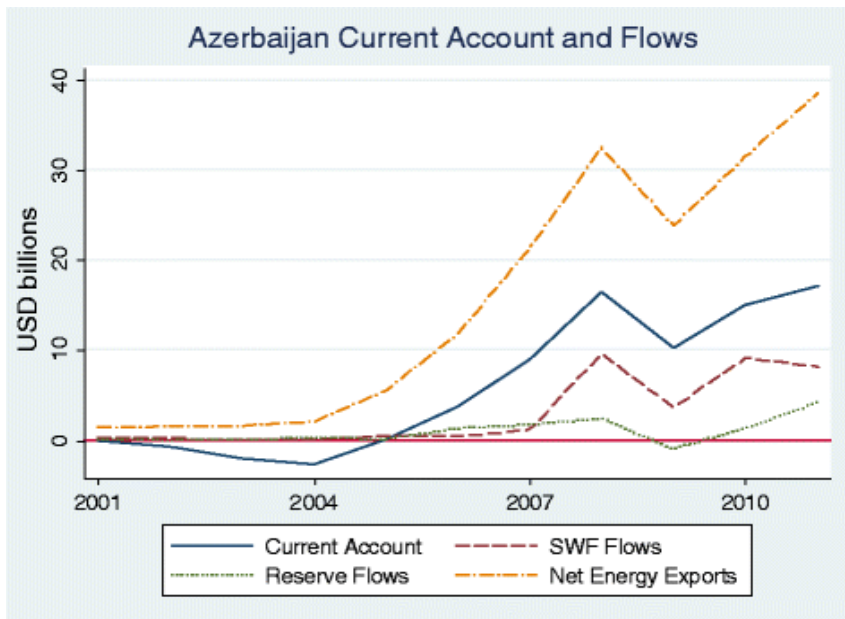
جهش توسعه‌ای دوم آذربایجان؛ نشانه‌هایی از چشم‌داشت باکو به خاک ایران

این کشور تا ابتدای دهه‌ی ۲۰۰۰ همواره کشوری بود که به دلیل نداشتن یک حساب جاری قدرتمند

توجهی میزان دسترسی ایران به آسیای میانه و در نتیجه چین را زیر ضربه خواهد برد.

هر دوی مسیرهای فوق به دلیل عبور کالا در فضایی خارج از جغرافیای ایران، قابلیت شکل‌دهی به زنجیره‌های صنعتی و اقتصادی قدرتمند در خارج از مرزهای ایران را خواهند داشت به نحوی که مناطق شمال غرب ایران در حاشیه تمدنی قرار گرفته و مردمان این مناطق به دلیل ایجاد اختلاف پتانسیل رفاهی دو سوی مرز، دچار معضلاتی نظیر تجزیه‌طلبی و درون‌ماندگی خواهند شد.

در موضوع ارمنستان نیز باید دانست که حتی اگر ترکیه موفق به پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی خود در توسعه مسیر زنگزور از مسیر فشارهای نظامی و امنیتی نشود قادر خواهد بود تا با فشار به ارمنستان



نمودار ۲. اثر احداث خط لوله نفت باکو-جیحان بر حساب جاری آذربایجان (گاگنون و دیگران، ۲۰۱۷)



کریدوری را سخت می‌نمود. همین امر، تمایل ترکیه به پیوستن به آذربایجان از طریق پهنه جغرافیایی ارمنستان را به موضوعی مهم در پیشبرد کریدور جدید تبدیل کرد.

باکو در نقطه‌ای قرار دارد که برای رسیدن به نخجوان تمامی اصلاحات سیاسی ۷ و نظامی و اقتصادی و اطلاعاتی لازم را صورت داده ولی قادر نیست از منظر ژئوپلیتیک سوالش را پاسخ دهد. اما به نظر می‌رسد بتواند از منظر ژئواکونومیک این مسئله را پاسخ دهد و ارمنستان را راضی به احداث کریدور زنگرور کند؛ امری که با حضور پاشینیان در جشن تحلیف اردوغان به نظر می‌رسد دور از دسترس نباشد. چنانچه این آرزو محقق شود نقشه ژئوپلیتیک منطقه قفقاز دستخوش دگرگونی می‌شود و دسترسی ایران به شمال از غرب دریای کاسپین با مشکل مواجه می‌شود.

باکو همزمان با توسعه‌ی مسیر زمینی، روی مزیت تاریخی خود از زمان شوروی (که مالک عمده کشتی‌های تجاری دریای کاسپین است) تمرکز کرده و با تاسیس کارخانه‌ی کشتی‌سازی آلت آن مزیت را تقویت خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

با نظر به تحولات اشاره شده در متن حاضر می‌توان دید که هر کشور به دنبال نقش‌یابی جدید در نظم جهانی است اما عموماً همه از شرایط حال حاضر تغییر در نظم تبعیت می‌کنند. در الگوی رقابت جدید، می‌توان انتظار داشت پدیده‌هایی به شرح زیر بروز یافته و تشدید شود، مطابق با بررسی‌های این

قادر به برقراری روابط گسترده با جهان نبود و از یک تنه‌ی راهبردی رنج می‌برد. ولی به مرور از سال‌های ۲۰۰۵ این کشور توانست با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده از یک کنسرسیوم به رهبری شرکت بریتیش پترولیوم، خط لوله باکو-تفلیس-جیحان را با ظرفیت حداکثر یک میلیون بشکه نفت در روز توسعه دهد؛ این خط لوله یک تراز تجاری فوق مثبت را برای آذربایجان شکل داد.

همین عامل باعث شد تا رژیم باکو به مرور قدرت توسعه‌طلبی ژئوپلیتیکی پیدا کند؛ این قدرت‌یابی در زمانی بود که باکو دچار یک تحقیر ژئوپلیتیکی از سوی ارمنستان شده بود و در جنگ قره‌باغ در دهه‌ی پیشین شکست خورده بود. سایر کشورها نیز هر یک به دلایلی منافع لازم برای کمک به باکو برای بازپسگیری قره‌باغ را نداشتند. همین امر عاملی شد تا سران این کشور برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی خود به سمت ایجاد روابط امنیتی با بازیگری حرکت کنند که مسئله‌ی مشترکی با آنها داشت، این بازیگر جایی نبود جز رژیم صهیونیستی که سیاست سنتی‌اش محاصره‌ی رقبای به وسیله‌ی تعریف مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها بوده است (درست مانند اتحاد با رژیم طاغوت برای مهار اعراب).

همچنین از سال ۲۰۰۸ ترکیه (کشوری که از سال‌های ۱۹۲۱ و از زمان تشکیل اولیه‌ی جمهوری آذربایجان، سابقه‌ی تاریخی مشترک با باکو داشت) طرح جاده‌ی ابریشم ترکی را کلید زد که شامل پیشبرد سیاست‌های تجاری و توسعه زیرساختی برای اتصال کشورهای ترک‌زبان می‌شد. عامل اساسی در پیشبرد یک گذرگاه تجاری هزینه‌ی حمل و نقل است و مبتنی بر محاسبات حمل و نقلی، دور زدن محدوده‌ی جغرافیایی ارمنستان برای رسیدن به دریای کاسپین هزینه‌های احداث چنین

۷. مجموعه وسیعی از اقدامات از جمله لغو خودمختاری نخجوان، تصفیه فرماندهان و نیروهای طرفدار روس و ایران و ...

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق در پژوهش، در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی نداشته است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

مقاله وضعیت‌های ذیل محتمل است:

۱. چندپاره شدن زنجیره تأمین جهانی
 ۲. افزایش رویه‌های غیرمبتنی بر ارزش جهانروا مانند رویه‌های مالی منطقه‌ای و دو و چندجانبه
 ۳. پدیدآیی زنجیره ارزش‌های چندقطبی رقیب
 ۴. گسترش تجارت زمینی و قدرت‌گیری جریان تجارت زمینی در برابر مسیرهای تجارت دریایی به وسیله‌ی گسترش اتصالات زیرساختی
 ۵. رقابت قدرت‌ها بر سر راهبردهای صنعتی غیرمبتنی بر زنجیره‌های ارزش جهانی و رقابت روی لبه‌های تکنولوژی همانند فناوری‌های ساخت چیپ و قابلیت‌های نرم‌افزاری هوش مصنوعی و بسیاری فناوری‌های دیگر
- به صورت محتمل می‌توان گفت که جهان فعلی، واجد یک ویژگی مهم است و آن عبارت است از تکه‌تکه شدن پهنه‌های جغرافیایی و تمرکز بیشتر بر رویه‌های منطقه‌ای.
- در این تغییر نظم، کشورها اگرچه در ظاهر در حال تعامل با یکدیگر بوده و به طور مثال، اوراق قرضه یکدیگر را خریداری می‌کنند اما در زیر پوست جغرافیا، در حال هدف قرار دادن زنجیره‌های ارزش و تأمین یکدیگر هستند؛ اما رویدادهای فوق، به خودی خود زمینه را برای رها شدن ایران از چالش‌های تحریمی فراهم نمی‌آورند؛ در همین فضا و هم‌زمان با گذار قدرت در عرصه بین‌الملل، ابرقدرت‌ها، کنشگران بزرگ و کنشگران میانه، در حال بازتعریف نقش خود در عرصه بین‌الملل هستند.



منابع

واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل مقاله، نورعلی، حسن؛ احمدی، سید عباس؛ پژوهش‌های جغرافیای انسانی پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۱۲۱ رتبه ب (وزارت علوم/ISC) (۲۷ صفحه - از ۱۱۶۱ تا ۱۱۸۷)

تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران، مختاری هشی، حسین، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۴، شماره ۵۰ - شماره پیاپی ۵۰، شهریور ۱۳۹۷

صفحه ۵۶-۸۲

تبیین تاثیر طرح ابتکار کمربند-پهنه چین بر ژئواکونومی ایران، حاجی زاده قوچان عتیق، زهرا؛ احمدی نوحدانی، سیروس؛ مهکویی، حجت؛ فرجی راد، عبدالرضا؛ اقتصاد و توسعه منطقه‌ای پاییز و زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۲۲ رتبه ب (وزارت علوم/ISC) (۲۲ صفحه - از ۱ تا ۲۲)

خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به‌مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ترابی فرد، میلاد؛ رزم آهنگ، مهدی؛ قاسمی، فرزانه؛ روابط خارجی زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۵۶ رتبه ب (وزارت علوم/ISC) (۳۵ صفحه - از ۱۴۱ تا ۱۷۵)

- ابراهیمی، مهدی (۱۴۰۲)، راهبرد آمریکا برای ایجاد بازار جهانی گاز، مرکز آیسا، ۱۸ مرداد ۱۴۰۲

References

Wilson, tom (2023), How Dubai became 'the new Geneva' for Russian oil trade, Financial Times, JULY 19 2023.

Heath, Timothy, Gunness, Kristen & Tristan Finazzo (2022), The Return of Great Power War, Scenarios of Systemic Conflict Between the United States and China, RAND corporation.

Wilson, tom (2023), How Dubai became 'the new Geneva' for Russian oil trade, Financial Times, JULY 19 2023.

Remarks by National Security Advisor Jake Sullivan on Renewing American Economic Leadership at the Brookings Institution, the white house, April 2023

Direct and Spillover Effects of Unconventional Monetary and Exchange Rate Policies, Joseph E. Gagnon, Tamim Bayoumi, Juan M. Londono, Christian Saborowski, Open Economies Review, April 2017